

کامالا؛ ظرفیت ایجاد تغییرات ساختاری در نظام سیاسی و اقتصادی آمریکا با حمایت از رویکرد چندجانبه‌گرایی در سیاست خارجی برای حل مناقشات از طریق دیپلماسی را دارد چون توانسته حتی به عنوان معاون رئیس‌جمهور با متحدان بین‌المللی رویکردی موجبی در تقویت نقش آمریکا در روابط بین‌المللی ایجاد کند و بر این اساس؛ وی رویکرد تمرکز بر اصلاحات را سر آغاز کار خود در مقام معاون رئیس‌جمهوری آمریکا نموده است.

کامالا هریس در موضوع ایران، همراه‌است با حزب دموکرات است، بازگشت به توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ با ایران را ضروری و الزامی دانسته و دلیل آن را نیز مهار ایران برای دستیابی به غنی‌سازی بیشتر در جهت کسب سلاح هسته‌ای عنوان کرده است و در موضوع فلسطین نیز؛ حمایت از راه‌حل دو دولتی برای حل مناقشه فلسطین و رژیم اسرائیل اعلام داشته اما حمایت قوی از اسرائیل به‌عنوان یکی از متحدان اصلی آمریکا در خاورمیانه را نیز جزو اصولی ترین شعارها بیان پنهان ننمود و اهمیت مذاکرات مستقیم بین طرفین و تلاش‌های دیپلماتیک برای رسیدن به صلح پایدار بین رژیم اسرائیل و فلسطین را پایان مناقشه دانسته است. هریس از خطوط قرمز آمریکا و حزب دموکرات خروجی نداشته است و بارها مورد نقد افکار عمومی و بین‌المللی به‌خاطر حمایت از جنایات رژیم صهیونیستی قرار گرفته و تأکید وی بر اهمیت امنیت اسرائیل برای آمریکا و همکاری نظامی –امنیتی بین دو کشور را نیز رسم الخط حزب دموکرات عنوان کرده است.

حمایت هریس از سیاست‌های مرفقی تر و اهمیت مسائل اجتماعی، بهداشتی و آموزشی و تمرکز بر اصلاحات در نظام قضایی و عدالت اجتماعی از جمله مواردی است که خواستگاه مردم آمریکا محسوب شده و وی را در مسیر شعارهای انتخاباتی قدرتمند تر از بایدن به صحنه خواهد آورد.

در حال حاضر و به دنبال اعلام حمایت «جو بایدن» رئیس‌جمهور فعلی آمریکا از کامالا هریس به عنوان نامزد حزب دموکرات آمریکا در انتخابات ۲۰۲۴، علاوه بر سیاه پوستان کنگره، نمایندگان مجلس و سنای حزب دموکرات بسیاری از حمایت خود را از نامزدی کامالا هریس اعلام کردند و وی در میان ۹گزینه اصلی برای جانشینی بایدن موقعیت بهتری برای مقابله با ترامپ در کارزار انتخاباتی دارد.

بر این عقیده‌ام که کارگزاران حزب دموکرات با استفاده از آخرین گلوله در خشتاب می‌خواستند بایدن تا آخرین لحظات، ترامپ را سرگرم نموده تابتوانند جایگزین وی را برای برگشت نگاه مردم آمریکا نسبت به تغییر رویکرد از پیرمردی فر توت به متغیری جوانتر و با سواد، با نگاهی متفاوت در سیاست داخلی و خارجی، از جنس زن و البته سیاه پوست، آمریکا –آسبایی در ایالات مختلف آرا را از صندوق جمهوری خواهان بیرون کششیده و به دموکرات‌ها تقدیم دارند.

جامعه آمریکا به این موضوع اذعان دارد که بایدن؛ با بازسازی زیرساخت‌های آمریکا، کاهش هزینه دارو برای سالخوردگان، گسترش بیمه سلامت برای افراد پیشتر، حمایت‌های پزشکی بالاتری از کهنه‌سربازان، انتصاب نخستین زن آمریکایی سیاه‌پوست در دادگاه عالی و همچنین تصویب عمده‌ترین قانون مرتبط با تغییرات اقلیمی دستاوردهای خوبی به آنها تقدیم داشته است و اکنون بستری مناسب برای حضور کامالا هریس در کاخ سفید آماده شده است.

قدر مسلم، ششستین رئیس‌جمهور آمریکا روز سه‌شنبه ۵ نوامبر ۲۰۲۴ (۱۵ آبان‌ماه ۱۴۰۳) برگزار انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا مشخص و برنده در ۲۵ ماه‌ه ژانویه ۲۰۲۵ وارد کاخ سفید خواهد شد و در این مدت کامالا رهیس باید بتواند با شیوه‌های دموکراتیک آرای اکثرال کالج انتخاباتی را به نفع خود رقم بزند، رأی دهندگان در سایه را با خود همراه نموده و به گونه‌ای با مجلس نمایندگان وارد لابی‌شود که نگاه مثبت جامعه آمریکایی نسبت به ترامپ را کاهش داده و در این میان، مجلس سنا نیز از معاون رئیس‌جمهور، رئیس‌جمهوری سیاه و البته زنی‌مورد توجه گروه‌های مختلف، مهاجرین و اقشار ساکن ایالات متحده آمریکا به کاخ سفید برسد.

اکنون هریس، حریص تر از همیشه به عنوان یک مقام حزب دموکرات که توانسته حمایت بایدن از نامزدی خود در حزب دموکرات را به همراه داشته باشد به راحتی و بنا به قول نشریه «تایم» بسیار آسانتر از تلاش بایدن برای صعود ۴۰ ساله و سقوط سریع وی، قدرت ترامپ را در مناظره‌ها و کمپین‌های انتخاباتی با پارامترهای مورد توجه دموکرات‌های آمریکا را گردونه انتخابات بیرون انداخته و به عنوان نخستین زن در تاریخ آمریکا وارد کاخ سفید شود.

کارشناس امور بین الملل مجلس شورای اسلامی



سید گرو ه اقتصاددریایی – زهرا آویژگان – با توجه به آغاز دوره ریاست جمهوری مسعود پزشکیان طی روزهای آینده، گفتگویی با سید بهزاد بقایی – کارشناس اقتصاد دریا– در جهت بررسی فرصت‌ها و ادامه ریل‌گذاری‌های قبلی در حوزه‌های مغفول در اقتصاد درباره اقتصاد دریا و ابعاد مختلف آن داشته است.

به ویژه آن‌که اخیراً رئیس‌جمهور منتخب در پیامی نوشت: باید تولید را از تهران بیرون ببریم، به دریا نزدیک کنیم، جایی که تامین آب و برق آن در آینده مشکل نباشد، محلی که ترانزیت مواد اولیه و صادرات محصولات با حداقل هزینه و زمان انجام شود.

این سخنان با استقبال کارشناسان و فعالان اقتصادی رو به رو شد، و از آن تعبیر به رونمایی از یک ایده تحولی یاد کردند. تجربه‌های موجود در منطقه آزاد اروند نشان‌دهنده این است که اگر در منطقه‌ای جمعیت وجود داشته باشد و بخواهد این منطقه را آزاد کنید، منطقه آزاد، استانداری، فرمانداری، ادارات و سازمان‌ها دچار تعارضاتی در تصمیم‌گیری و پیشبرد اهداف ایجاد می‌کنند. در منطقه آزاد اروند، بخشی از آبادان جزو این منطقه آزاد است و بخشی دیگر نه و این موجب می‌شود که هر توسعه‌ای در منطقه آبادان به مجوز اضافه سازمان منطقه آزاد اروند نیاز داشته باشد و این درحالیست که شاید ما این منطقه را از اول منطقه آزاد کرده‌ایم که راحت‌تر امور پیش رود اما بیشتر دچار چالش شده است.

شاید در سفرهایی که به جنوب کشور داریم متوجه سرمایه‌گذاری‌هایی همچون مزرعه میگو در این مناطق شده باشیم اما این مسائل هیچ تاثیر ملموسی بر زندگی مردم نداشته است و شاید همین مورد نیز برای عدم توسعه‌پذیری یک دلیل مهم باشد که این عدم تاثیر گذاری بر زندگی مردم موجب شود دیگر همکاری با مطالبه نداشته باشند. نظر شما از منظر آسیب‌شناسی چیست؟

درباره مبحث پرورش میگو در استان‌های جنوبی، دولت به‌صورت تصدی‌گر ایانه حوزه را به درستی شناسایی کرده است. اما اشتباه موجود تداوم این تصدی‌گری تا ایجاد مزارع با نگاه محروم‌زدایی بود تا در آن مناطق اشتغالزایی رخ دهد. اما به دلیل اینکه آن مردم تجربه، دانش و سرمایه لازم پرورش میگو را نداشتند، دولت به آن‌ها وام و تسهیلات داد و مزرعه را نیز ایجاد کرد اما به‌طور مثال منطقه‌ای بزرگ که با این هدف ایجاد شده بود طی بیست سال گذشته به بهره‌برداری نرسیده و با منطقه دیگری که بهره‌برداری شده الان خالی است و برخی افراد تنها مجوز بهره‌برداری دارند و از این وام و تسهیلات استفاده کرده‌اند.

نکته مهم این است که متأسفانه این رویکرد در پرورش ماهی نیز وجود دارد. برای پرورش ۳۰۰ هزار تن ماهی تانکون مجوز صادر شده اما تنها ظرفیتی که به بهره برداری رسیده ۱۰ هزار تن است.

مهم‌ترین مسئله مشروط بودن این حمایت‌ها است. در صورت مشروط بودن حمایت‌ها اگر بهره‌برداری انجام نشود، حق بهره‌برداری صلب می‌شود و یا آن فرد باید جریمه شود. اما اینکه مشروط نبودن منابع و تسهیلاتی که در اختیار مردم قرار می‌گیرد یک جاذبه برای نام‌نویسی ایجاد کرده است. در یک دوره نیز این اتفاق افتاد که دولت این تسهیلات ارائه شده را بخشید.

درواقع ما یک رانتی می‌دهیم و عده‌ای نیز آگاه هستند که دولت ممکن است پس از مدتی این وام و تسهیلات را ببخشد و آن‌ها به راحتی می‌توانند از این موضوع استفاده و اقتصاد غیر رسمی داشته باشند. چه بسا خود مردم نیز نباشند و عده‌ای باشند که با استفاده از برخی امتیازات بتوانند از این تسهیلات استفاده کنند.

پیشنهاد ما این است فردی که می‌خواهد این مجوز و تسهیلات را دریافت کند حتما در ایسن زمینه تخصص داشته باشد و یک سنجش ابتدایی باید انجام شود که فردی که بهره‌برداری مزرعه را می‌خواهد انجام دهد هم اهلیت تخصصی و هم اهلیت مالی داشته باشد. به جای اینکه رویکرد دولت خرد باشد، باید رویکرد به سمت افراد توانمند و بزرگتر باشد.

این تفکر نسبتی با افراد بومی آن منطقه دارد؟ مردم این منطقه ظرفیت این را دارند که هم تخصص داشته باشند و هم توانایی مالی برای اجرا و بهره‌برداری چنین ایده‌هایی؟ بسیاری از صنایع در مناطق جنوبی شکل گرفته‌اند ولی متخصصین آن‌ها از کلانشهرها حضور پیدا می‌کنند و پس از مدتی باز می‌گردند. چه تضمینی وجود دارد که این اتفاق نیفتد؟

رشته فعالیت‌هایی که انتخاب می‌شوند در این خصوص اهمیت زیادی دارند. باید رشته فعالیت‌هایی همچون شیلات و گردشگری توسعه یابند که مردم بومی بتوانند در آن زمینه درگیر باشند و فعالیت کنند. تجربه مشابه ما در پتروشیمی

در واکنش به اظهارات پزشکیان «باید تولید را به دریا نزدیک کنیم»

اما واگرهای توسعه اقتصاد دریا در دولت پزشکیان

توسعه مَکُران در اولویت دولت چهاردهم قرار می‌گیرد؟

نکته مهم این است که ما تمام مجموعه خدمات بانکرینگ را ارائه نمی‌دهیم و تنها سوخت‌رسانی است که آن نیز چالش‌هایی دارد. همچنین شرکت‌های خدماتی که بتوانند به کشتیرانی‌های داخلی و بین‌المللی خدمات ارائه کنند نداریم و این مسئله به برنامه‌ریزی‌های بلندمدت و کوتاه‌مدت نیاز دارد.

متأسفانه قبای بسیار قوی در کشورهای عربی همچون فجیره وجود دارند که این خدمات را ارائه می‌کنند و ورود ما به این عرصه سخت‌تر از سالیان گذشته است و هرچه بگذرد دشوارتر نیز می‌شود.

تحریم‌ها چه اثری بر این عدم استفاده‌های ما از اقتصاد دریایی دارد؟

تحریم متأسفانه شرایط را سخت می‌کند اما تمام این شرایط مربوط به تحریم نیست. شاید در همین مسئله بانکرینگ ما تحریم باشیم اما سوال این است که همین الان شرکت ملی کشتی‌رانی و شرکت ملی نفت کش و یا همین کشتی‌های بین‌المللی که در بندر شهید رجایی و بندر امام پهلوگیری می‌کنند، مقدار به آن‌ها سوخت‌رسانی می‌کنیم؟ همین الان شرکت‌های ملی کشتی‌رانی و نفت‌کش بخشی از نیاز خود را از فجیره تامین می‌کنند. این درحالیست که ۲۴ میلیون تن نفت کوره در کشور تولید می‌شود و این امکان وجود دارد که این نفت کوره به سوخت کشتی تبدیل شود. در گام اول تامین نیاز کشتیرانی‌های داخلی و در باکم بعد کشتیرانی‌هایی که از کنار تنگه هرمز و جزیره قشم عبور می‌کنند می‌توانیم هدف گذاری کنیم.

این مسائل در برنامه هفتم توسعه هم به عنوان هدف مطرح شده است که بتوانیم از دولت جدید و مسئولین مطالبه کنیم؟

بخشی از موضوع اقتصاد دریا در برنامه هفتم توسعه آمده است اما چه در سیاست‌ها و چه در برنامه هفتم تنها به‌صورت کلی مطرح شده و چالش نبود اولویت همچنان در برنامه هفتم توسعه نیز وجود دارد و تقریباً بسیاری از رشته فعالیت‌ها مطرح شده اما انتخاب و اولویت‌بندی نشده است. باید منابع محدود را انتخاب و اولویت‌بندی کنیم، این چالش در برنامه هفتم توسعه همچنان وجود دارد.

مواضع و برنامه‌های آقای پزشکیان یا تیم اقتصادی آن‌ها را نسبت به اقتصاد دریا و موارد اولویت‌دار از جمله بانکرینگ، شیلات، گردشگری و... چگونه ارزیابی می‌کنیم؟

تاکنون رئیس‌جمهور منتخب درباره این موضوعات اظهار نظری نداشتند. من فکر می‌کنم اقتصاد دریا باید یکی از اولویت‌ها باشد و برای مناطق جنوب کشور یکی از الزامات است که دریا را بیشتر مورد توجه قرار دهیم. اگر می‌خواهیم نقش مهمی در میان جوامع بین‌المللی و نظم جدید جهانی داشته باشیم باید به دریا توجه ویژه‌ای داشته باشیم.

سایر رقبای ما از اقتصاد دریایی استفاده می‌کنند؟

بله در عراق بندر بزرگی به نام فاو در حال توسعه است که می‌تواند بندر اما ما را دچار مخاطره کند. ممکن است این فرصتی که ما می‌توانیم از مسیر ایران و ترکیه به اروپا کالا صادر کنیم را از دست دهیم و عراق جایگزین ما شود. البته فعلاً فرصت را داریم ولی باید برنامه‌ریزی داشته باشیم تا فرصت را از دست ندهیم.

در حال حاضر چه دورنمایی برای محقق شدن اهداف و صحبت‌های گذشته درباره مکران وجود دارد؟ آیا می‌توانیم امیدوار باشیم این منطقه استراتژیک به لحاظ اقتصادی، سیاسی و امنیتی به هدفه خود برسد و محور عمران و آبادانی باشد؟

یک اتفاق خوبی که در کشور وجود دارد، توجه به توسعه بندر چابهار و بندر شهید بهشتی در چابهار است که اتفاق مبارکی است چراکه بنادر اصلی ما از جمله بندر شهید رجایی که ۶۰ تا ۷۰ درصد ترانزیت ماس در آن‌جا اتفاق می‌افتد، بندر امام خمینی که کالاهای استراتژیک ما همچون گندم، سویا و ذرت از آن طریق وارد می‌شود و بندر بوشهر که همه در خلیج فارس هستند. ما باید بندر شهید بهشتی را به دلیل مسائل امنیتی باید پرانکند کنیم که اگر تنگه هرمز دچار مشکلی شد بندر دیگری داشته باشیم که دسترسی ما به آب‌های مازاد قطع نشود.

مهم‌ترین نیاز برای توسعه بندر شهید بهشتی نیز توسعه راه‌های مواصلاتی به این بندر است تا کریدور جنوب –شمال بتواند مورد بهره‌برداری قرار گیرد. علاوه براین، چابهار دروازه تجارت ما به سمت اروپا است.

با همه این فرصت‌ها چه اتفاقاتی در این مدت افتاده و پیش‌بینی شما از آینده چیست؟ آیا دولت آقای پزشکیان مکران را در دستور کار قرار می‌دهد؟

بر اساس آنچه که در برنامه هفتم مطرح شده آقای پزشکیان نیز به مسئله توسعه اقتصاد دریایی توجه خواهد داشت و درخواست من صرفاً این است که این توسعه در اولویت قرار گیرد.

در حال حاضر ما توسعه چابهار را به هند داده‌ایم و هند در این مدتی که توسعه چابهار را در اختیار گرفته اقدامات خاصی انجام ن‌ساده و این احتمال وجود دارد که به‌طور کلی هند تمایلی به توسعه آن منطقه ندارد. این بلاتکلیفی برای ایران ضرر دارد و باید آن منطقه را به سمت توسعه متعایل کنیم.

هفتم توسعه بوده است. آیا این تلاش‌ها موجب شده تا آسیب‌شناسی‌هایی که شما مطرح کردید به عنوان یک پکیج کامل برای عملکرد بهتر در اختیار دولت چهاردهم قرار گیرد؟ یا ما در ادامه باز هم شاهد آزمون و خطا و فراز و نشیب در این حوزه خواهیم بود؟

گام‌های ابتدایی در این حوزه به‌صورت مناسبی برداشته شده اما جمع‌بندی کاملی وجود ندارد و این مسیری که طی می‌شود نیازمند اصلاحاتی همچون ایجاد سازمان توسعه سواحل مکران است. شاید ایجاد این سازمان پاسخگو نباشد و در نهایت پس از ایجاد یک سازمان و جذب نیرو و ... به دلیل آسیب‌شناسی نادرست و یا ناکافی، نتیجه دلخواه در زمینه توسعه دریا را نتوانیم داشته باشیم. ما در توسعه دریا باید برای راهبر اعم از سازمان بنادر و نهادهای دیگر انگیزه ایجاد کنیم تا از توسعه دریا منافع ایجاد شود نه فروش زمین. مهم‌ترین هدفی که دولت چهاردهم باید به آن توجه داشته باشد این است که در هر بخشی از این رشته فعالیت‌ها اولویت‌های محدودی را برای توسعه بگذارد. به‌طور مثال اگر می‌خواهیم به سمت گردشگری برویم باید این فعالیت را در قطب‌های گردشگری همچون هرمز که جزیره زیبایی است که گردشگری را می‌توانیم در آن متمرکز کنیم است. ما باید چند قطب ایجاد کنیم و ناظر بر ایسن قطب‌ها برخی محدودیت‌های قانونی را حذف کنیم. به‌طور مثال محدودیت فعالیت در حریم ۶۰ متری دریا که باید ۶۰ متر دورتر از دریا بسیاری از اتفاقات افتد در صورتی که در بسیاری از جزایر جاذبه‌ها و تفریح‌هایی می‌توانند داشته باشند که به دریا نزدیک باشند.

بر اساس تجربه‌های پیشین ما شاهد ساحل خورای و شخصی‌سازی مناطق ساحلی هستیم، چگونه می‌شود از این امر جلوگیری کرد؟

این تجربه در شمال وجود داشته ولی در جنوب اصلاً چنین مشکلی وجود ندارد و یک پهنه بسیار عظیمی در جنوب وجود دارد که خالی از سکنه و امکانات است و اصلاً مسئله زمین‌خواری و شخصی‌سازی حریم دریا وجود ندارد. اتفاقاً ما برای این منطقه باید حمایت‌هایی داشته باشیم. شمال جزنگل و آب و هوایی دارد که مردم از سفر به آن‌جا استقبال می‌کنند ولی در جنوب کشور به دلیل گرمای هوا استقبال زیادی وجود ندارد و ما باید حمایت‌های مشروط داشته باشیم. هرچقدر حمایت‌ها پرانکند باشد، موجب می‌شود ما پیشرفت و توسعه نداشته باشیم.

چرا نتوانستیم طی این سال‌ها نتیجه بگیریم؟ آیا این اراده جمعی در خود آن مناطق وجود ندارد؟ یا این نگاه کلان و اراده میان کارشناسان نیست یعنی اقتصاد دریا برای ما یک موضوع مغفول است و از فرصت‌های آن اطلاعی نداریم. دولت چهاردهم و آقای پزشکیان شرایطی را تحویل می‌گیرند که مباحث معیشتی، تورم مضمن و ... وجود دارد و کسی نمی‌داند که اقتصاد دریا چه تاثیری بر تورم مضمن دارد؟

ما برخی منابع محدود را اولویت‌بندی نکردیم و به همین دلیل نیز به توسعه مورد نظر نرسیده‌ایم به عنوان مثال یکی از مهم‌ترین نیازمندی‌هایی که در جنوب وجود دارد، جاده ساحلی غربی – شرقی است که از کنار جاده عبور کند و زیبایی خاصی را برای گردشگری ایجاد کند اما وقتی شما از غرب به شرق بروید چنین جاده‌ای وجود ندارد و باید از ساحل فاصله بگیرید. در هرمزگان جاده‌های زیبایی را داریم که یک سمت دریا و یک سمت کورما است اما بخش‌هایی از جاده را خاک گرفته و حتی نمی‌توان از ان به راحتی عبور کرد و این نبود امکانات حداقلی به دلیل این است که منابع را بدون نتیجه واحد و منسجم و اولویت‌بندی هزینه کرده‌ایم.

در یک مقیاس کلان ما شاهد این هستیم که طی ۷۰ سال اخیر توسعه اقتصادی ما نامتوازن است و توسعه اقتصادی صرفاً در نقاط مرکزی کشور و نزدیک به پایتخت صورت گرفته یا در این زمینه فکر مشترک و هماهنگی خاصی وجود دارد؟

دولت نقش اصلی را در توسعه داشته و توسعه کشور از نوع بودجه محور بوده و طبیعتاً حضور وزرا در تهران موجب می‌شود که حتما شهرهای بزرگ نسبت به مناطق مرزی و دور از دید در اولویت باشند. یکی از سوالاتی که وجود دارد این است که ما چطور مردم را در سه جزیره ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک ساکن کنیم؟ این بحث مالکیتی که وجود دارد بسیار مهم است. شاید حداقل نیاز این مناطق با آب شیرین رفع نشده است یا از برخی منظرها توسعه نیافته باشد. در ابوموسی وقتی می‌خواهیم وارد کشور بشویم ممکن است تنها یک پرواز وجود داشته باشد. در آن‌جا بیمارستان، اشتغال و ... وجود ندارد و یک فضای محدودی است.

بانکرینگ چیست؟ چه فرصت‌هایی دارد؟ چقدر تاکنون از آن استفاده کرده‌ایم و دلیل عدم استفاده از آن چه بوده؟ کشتنی‌هایی که ترابری حمل و نقل هستند، برخی نیازها همچون سوخت‌رسانی، تامین نیرو، تامین غذا، هتلینگ و... دارند و بانکرینگ حدود ۲۰ نوع خدمات ارائه می‌دهد. ما یک ظرفیت بسیار بزرگی در خلیج فارس داریم و حدود ۴۰ هزار شناور از تنگه هرمز عبور می‌کند. حوزه بانکرینگ یک بازار ۱۰ میلیارد دلاری در طول سال دارد که ما ۲ درصد آن را بهره‌برداری می‌کنیم.